



Default Risk Management Strategies in Exchange and Partnership Contracts: A Comparative Analysis in Iran's Banking System

Mohammad Andalib¹ | Ahmad Shabani²

1. Corresponding Author: PhD Student in Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: andalib@isu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Financial Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

Abstract

Managing default risk in Islamic contracts, particularly under conditions of information asymmetry, is a major challenge for Iran's banking system. This study seeks to identify and compare the strengths and weaknesses of default risk management in exchange- and partnership-based contracts, and to propose corrective strategies. The research employs a qualitative design with thematic analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 14 experts in Islamic banking, risk management, and Islamic jurisprudence. Participants were purposively selected, and interviews continued until theoretical saturation was reached. Data analysis followed Braun and Clarke's (2006) six-phase framework. Findings indicate that structural weaknesses in exchange contracts (institutional, systemic, and technological) foster adverse selection. Overreliance on collateral and the absence of behavioral credit scoring enable high-risk clients to access financing. By contrast, behavioral weaknesses in partnership contracts (human, cultural, and motivational) tend to generate moral hazard, reflected in concealment of financial reporting and difficulties in monitoring the agent's performance. These results support the theories of asymmetric information and agency, while highlighting the need for a fundamental revision of default risk management in Islamic banking.

Three categories of corrective strategies are suggested:

(1) institutional–legal, including revision of regulations for partnership contracts; (2) technological, such as behavioral credit scoring and pilot use of smart contracts; and (3) cultural–organizational, including staff training and incentive systems. These strategies may guide policy-making by the central bank and commercial banks to strengthen default risk management and improve the efficiency of Islamic finance.

Keywords: Default Risk Management, Exchange Contracts, Partnership Contracts, Asymmetric Information, Banking Strategy

Volume info

Vol. 6
Series: 24
Winter 2026
P.P: 89-116

Article Type

Research Paper

Article History

Received:

2025-01-31

Revised:

2025-09-07

Accepted:

2025-09-07

Published:

2025-12-18

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2717-1809
E-ISSN: 2717-199x

Cite this article: pourkarimi, J., Gholami, F., & Nasrollahi nia, F. (2025). Generation Z Human Resources Leaders Competencies: A Meta-Synthesis Study. *Journal of Research in Human Resources Management*, 17(3), -.

DOR 20.1001.1.20084528.1404.17.3.1.7



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



راهبردهای مدیریت ریسک نکول در عقود مبادله‌ای و مشارکتی:

تحلیل تطبیقی در نظام بانکی ایران

احمد شعبانی^۱ | محمد عندلیب^۲

۱. دانشیار گروه اقتصاد مالی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری گروه اقتصاد مالی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

m.andalib3000@gmail.com

چکیده

مدیریت ریسک نکول در عقود اسلامی، به‌ویژه در شرایط اطلاعات نامتقارن، یکی از چالش‌های اساسی نظام بانکی ایران است. هدف این پژوهش، شناسایی و مقایسه نقاط قوت و ضعف مدیریت ریسک نکول در عقود مبادله‌ای و مشارکتی و ارائه راهبردهای اصلاحی در این زمینه است. پژوهش حاضر کیفی و با رویکرد تحلیل مضمون انجام شده و داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ نفر از خبرگان بانکداری اسلامی، مدیریت ریسک و فقه معاملات گردآوری گردید. مشارکت‌کنندگان به‌صورت هدفمند انتخاب و تا اشیاع نظری ادامه یافت و تحلیل داده‌ها در شش مرحله براساس الگوی براون و کلارک (۲۰۰۶) صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که ضعف‌های ساختاری در عقود مبادله‌ای (نهادی، سیستمی و فناورانه) زمینه‌ساز کژگزینی هستند؛ به‌ویژه اتکای بیش‌ازحد به وثایق و فقدان اعتبارسنجی رفتاری موجب ورود مشتریان پرریسک می‌شود. در مقابل، ضعف‌های رفتاری در عقود مشارکتی (انسانی، فرهنگی و انگیزشی) بیشتر به کژمنشی منجر می‌شوند؛ پنهان‌کاری در گزارش‌دهی مالی و دشواری نظارت بر عملکرد عامل از مهم‌ترین مصادیق آن است. نتایج علاوه بر تأیید نظریه‌های اطلاعات نامتقارن و نمایندگی، نشان می‌دهد مدیریت ریسک نکول در بانکداری اسلامی ایران نیازمند بازنگری بنیادین است. بر اساس یافته‌ها، سه دسته راهبرد اصلاحی پیشنهاد شد: (۱) نهادی-قانونی، شامل بازنگری در آیین‌نامه‌های عقود مشارکتی؛ (۲) فناورانه، شامل توسعه سامانه‌های اعتبارسنجی رفتاری و اجرای آزمایشی قراردادهای هوشمند؛ و (۳) فرهنگی-سازمانی، شامل آموزش کارکنان بانکی و طراحی نظام مشوق‌ها. این راهبردها می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری بانک مرکزی و بانک‌های تجاری برای ارتقای مدیریت ریسک نکول و افزایش کارآمدی نظام تأمین مالی اسلامی باشد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت ریسک نکول، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی، اطلاعات نامتقارن، راهبرد بانکی

استناد: پور کریمی، جواد، غلامی، فاطمه & نصراللهی نیا، فاطمه. (۱۴۰۴). شایستگی‌های رهبران منابع انسانی نسل زد: پژوهشی فراتر کیب. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی. -، (3) 17،

DOR 20.1001.1.20084528.1404.17.3.1.7

سال و شماره

سال ۶، پیاپی: ۲۴
زمستان ۱۴۰۴
صص: ۸۹-۱۱۶

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۲۷

شاپا چاپی و الکترونیکی

شاپا چاپی: ۱۸۰۹-۲۷۱۷
الکترونیکی: ۱۹۹x-۲۷۱۷

©
نویسنندگان.

ناشر: دانشگاه جامع امام
حسین (ع).



OPEN ACCESS

مقدمه و بیان مسئله

ریسک نکول یکی از چالش‌های بنیادین نظام‌های مالی در جهان است و در بانکداری بدون ربای ایران، به دلیل ماهیت عقود شرعی، ابعاد پیچیده‌تری دارد. عقود اسلامی به دو دسته کلی عقود غیرانتفاعی و انتفاعی (مبادله‌ای و مشارکتی) تقسیم می‌شوند که هر یک ماهیت ریسک متفاوتی دارند. در عقود مبادله‌ای، بانک بیشتر بر وثایق و بازپرداخت معین تکیه دارد، در حالی که در عقود مشارکتی بانک شریک فعالیت اقتصادی است و سود و زیان بر اساس عملکرد واقعی تقسیم می‌شود. این تفاوت موجب شده ریسک نکول در هر دسته، جلوه‌ای متمایز داشته باشد (یوسف و آگاروال^۱، ۲۰۰۰).

در عمل، به دلیل ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی و دشواری نظارت، سهم عقود مشارکتی در ایران کاهش یافته و بانک‌ها به عقود مبادله‌ای گرایش بیشتری نشان داده‌اند. (چانگ و لیو^۲، ۲۰۰۹) بر مبنای نظریه اطلاعات نامتقارن (استیگلیتز و وایز^۳، ۱۹۸۱)، دو پدیده کژگزینی و کژمنشی عامل اصلی نکول هستند. در عقود مبادله‌ای، اتکای بیش از حد به وثایق و فقدان اعتبارسنجی رفتاری، احتمال ورود مشتریان پرریسک را افزایش می‌دهد (کژگزینی). در عقود مشارکتی، دشواری نظارت و نبود شفافیت اطلاعاتی باعث پنهان‌کاری و رفتار فرصت‌طلبانه عامل می‌شود (کژمنشی). از این رو ضعف‌های ساختاری (نهادی، سیستمی و فناورانه) و رفتاری (انسانی، فرهنگی و انگیزشی) در نظام بانکی ایران ارتباط مستقیمی با بروز ریسک نکول دارند.

با وجود انجام مطالعات متعدد در حوزه بانکداری اسلامی و مدیریت ریسک نکول، مرور پیشینه نشان می‌دهد که اگرچه بخش قابل توجهی از این پژوهش‌ها به ارائه‌ی پیشنهادها و راهبردهای کاربردی پرداخته‌اند، اما چالش‌های اجرایی و نهادی در نظام بانکی ایران همچنان تداوم دارد و بسیاری از این راهبردها به مرحله‌ی پیاده‌سازی مؤثر نرسیده‌اند. افزون بر این، بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها بر مدل‌های نظری یا تحلیل‌های کمی مبتنی بر داده‌های ثانویه است و کمتر به واکاوی عمیق تجربیات خبرگان بانکی در بستر واقعی اجرا پرداخته‌اند. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، شناسایی تطبیقی قوت‌ها و ضعف‌های مدیریت ریسک نکول در عقود مبادله‌ای و مشارکتی

1. Aggarwal & Yousef
2. Chong & Liu
3. Stiglitz & Weiss

و ارائه‌ی راهبردهای اصلاحی در سه سطح نهادی، سازمانی و فناورانه است. نوآوری پژوهش در سه بُعد جلوه می‌کند:

۱. **نظری:** تفکیک ضعف‌های ساختاری و رفتاری و تبیین ارتباط آن‌ها با کژگزینی و کژمنشی.

۲. **روش‌شناختی:** استفاده از رویکرد کیفی و تحلیل مضمون مصاحبه‌های میدانی با خبرگان بانکداری اسلامی.

۳. **کاربردی:** طراحی راهبردهای نهادی، فناورانه و فرهنگی برای ارتقای مدیریت ریسک نکول و کارآمدی بانکداری اسلامی.

مقاله در ادامه شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش (بخش دوم)، روش‌شناسی پژوهش (بخش سوم)، یافته‌ها و مدل مفهومی (بخش چهارم) و در نهایت بحث و نتیجه‌گیری همراه با پیشنهادها (بخش پنجم) است.

مبانی نظری پژوهش

ریسک نکول (ریسک اعتباری)

ریسک نکول یا ریسک اعتباری به احتمال ناتوانی وام‌گیرنده در ایفای تعهدات مالی اطلاق می‌شود. (کمیته بازل^۱، ۲۰۰۰) این ریسک از مهم‌ترین تهدیدهای سودآوری و بقای بانک‌هاست و همچنان یکی از دلایل اصلی ورشکستگی مؤسسات مالی محسوب می‌شود (سابائو^۲، ۲۰۱۳) در صورت فقدان نظام مدیریت ریسک کارآمد، بانک‌ها قادر به شناسایی و پوشش زیان احتمالی نکول نبوده و تخصیص بهینه منابع با اختلال مواجه می‌شود (خان و احمد^۳، ۲۰۰۱). از این رو طراحی سازوکارهای کنترل و کاهش ریسک نکول برای سلامت نظام بانکی ضروری است.

اطلاعات نامتقارن، کژگزینی و کژمنشی

اطلاعات نامتقارن میان بانک و وام‌گیرنده، یکی از ریشه‌های اصلی نکول است (استیگلیتز و وایز^۴، ۱۹۸۱). این وضعیت دو پیامد دارد:

1. Basel Committee
2. Sabau
3. Khan & Ahmed
4. Stiglitz & Weiss

≠ **کژگزینی**: انتخاب نادرست مشتریان پریسک به دلیل فقدان داده‌های اعتباری کافی
 ≠ **کژمنشی**: تغییر رفتار وام گیرنده پس از دریافت تسهیلات از طریق مصرف منابع در
 مصارف غیر قراردادی یا پنهان کاری مالی (بک و همکاران^۱، ۲۰۱۳)
 در عقود مشارکتی اسلامی، کژمنشی می‌تواند به صورت پنهان کردن سود واقعی یا کم کاری
 عامل بروز کند. برای مقابله با این مشکلات، بانک‌ها از ابزارهایی نظیر اعتبارسنجی، اخذ وثایق،
 پایش نحوه مصرف تسهیلات و درج شروط نظارتی استفاده می‌کنند. این تدابیر هم کژگزینی را
 کاهش می‌دهد و هم کژمنشی را محدود می‌سازد. (خان و احمد، ۲۰۰۱)

تفاوت‌های عقود مبادله‌ای و مشارکتی

قراردادهای بانکی از نظر ماهیت رابطه‌ی حقوقی و شیوه‌ی کسب سود مشروع، به سه دسته
 تقسیم می‌شوند به سه دسته قرض الحسنه، مبادله‌ای و مشارکتی تقسیم می‌شوند:
 ≠ **عقود مبادله‌ای** (مانند مرابحه، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک): در این عقود
 بدهی معینی برای مشتری ایجاد می‌شود و بانک از ابتدا بازدهی مشخصی دریافت
 می‌کند. (به غیر از سلف که همیشه بازدهی مشخصی ندارد) ریسک اصلی در این نوع
 قراردادها نکول بدهی است که معمولاً با وثایق و تضامین پوشش داده می‌شود. در ادبیات
 مالی این انتقال ریسک به مشتری به‌عنوان risk-shifting شناخته می‌شود (سانموگام و
 زهاری^۲، ۲۰۰۹).

≠ **عقود مشارکتی** (مانند مشارکت مدنی، مضاربه، مزارعه): در این عقود بازدهی بانک
 وابسته به نتایج واقعی پروژه است و ماهیت Profit and Loss Sharing دارد (یوسف و
 آگاروال^۳، ۲۰۰۰). ریسک تجاری و سرمایه‌گذاری به بانک منتقل می‌شود و در صورت
 شکست پروژه، اصل سرمایه نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد (ازمات^۴، ۲۰۱۵).
 اجرای موفق این عقود نیازمند بسترهای حقوقی و نظارتی قوی است؛ اما تجربه ایران نشان داده
 ضعف در نظارت و امانت‌داری، از دلایل مهمی است که بانک‌ها را به سمت عقود مبادله‌ای سوق
 داده است (صفابخش و همکاران، ۱۴۰۴). در عمل نیز بانک‌ها با درج شروط متعدد تلاش کرده‌اند

1. Beck et al
 2. Sanmugam & Zahari
 3. Aggarwal & Yousef
 4. Azmat et al

ریسک را به شریک منتقل کنند. امری که عملاً ماهیت مشارکتی قرارداد را تضعیف کرده و آن را شبیه عقد مبادله‌ای کرده است (چانگ و لیو، ۲۰۰۹)

پیشینه پژوهش

در ادبیات مالی اسلامی، مطالعات متعددی ریسک نکول و رفتار بانک‌ها در عقود مختلف را بررسی کرده‌اند که مهمترین آنها در جدول زیر ارائه شده است:

جدول شماره ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش و روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
1	الجیفری ^۱ (2021)	بررسی سهم انواع عقود اسلامی در پرتفوی بانک‌ها - روش تحلیلی-آماري	سهم عقود مشارکتی در نظام بانکی اسلامی بسیار اندک است؛ دلیل اصلی آن ریسک بالای کژگزینی و کژمنشی و دشواری نظارت عنوان شده است.
2	خاندلوال ^۲ (2021)	مطالعه اثر اطلاعات نامتقارن بر ریسک نکول در بانکداری اسلامی - روش پیمایشی	اطلاعات نامتقارن، احتمال نکول در عقود مشارکتی را افزایش می‌دهد و اعتبارسنجی قوی می‌تواند این ریسک را کاهش دهد.
3	سلیمان (2023) ^۳	تحلیل نظری ابزارهای کاهش کژمنشی در عقود مشارکتی - روش مروری نظری	استفاده از ابزارهایی مانند علامت‌دهی، غربال‌گری، نظارت و گزارش‌دهی مالی می‌تواند کژمنشی را کاهش و بازگشت منابع را افزایش دهد.
4	نسوشن و همکاران ^۴ (2020)	مقایسه عملکرد انواع عقود اسلامی در بانک‌های جنوب شرق آسیا - روش تجربی تطبیقی	هرچه قرارداد پیچیده‌تر و وابسته به عملکرد آتی باشد، ریسک تحقق سود افزایش می‌یابد؛ طراحی دقیق قرارداد و مکانیزم‌های انگیزشی می‌تواند ریسک را تعدیل کند.
5	لشکری و همکاران	ارائه مدل فقهی برای کاهش	مدل پیشنهادی باعث شفافیت بیشتر و بهبود

1. aljifiri
2. khandawal
3. salman
4. Nasution et al

جدول شماره ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش و روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
	(1402)	کژمنشی در عقود مشارکتی در ایران - روش مدل‌سازی مفهومی	بازگشت منابع شده است؛ بر ضرورت استفاده از مشوق‌های انگیزشی تأکید دارد.
6	دهقان‌منشادی (1401)	ارزیابی تأثیر شفافیت قراردادها بر بازگشت منابع در عقود مشارکتی - روش داده‌های ثانویه	یافته‌ها نشان داد شفافیت و نظارت مستمر منجر به کاهش نکول و افزایش بازگشت منابع در عقود مشارکتی می‌شود.
7	طالبی و کیایی (۱۳۹۱)؛ حاجیان و همکاران (1390)	بررسی روند کاهش سهم عقود مشارکتی در ایران - روش اسنادی	سهم عقود مشارکتی از حدود ۴۹٪ در سال ۱۳۹۵ به کمتر از ۲۵٪ در سال ۱۳۹۹ رسیده است؛ ضعف در نظارت، کاستی‌های حقوقی و ترس بانک‌ها از مشارکت در زیان، دلایل اصلی عنوان شده‌اند.
8	نظری و رضایی (1392)	رابطه مدیریت ریسک اعتباری و مطالبات غیرجاری در عقود مبادله‌ای - روش کمی همبستگی	حتی در عقود مبادله‌ای، در صورت فقدان مدیریت ریسک مناسب، مطالبات غیرجاری افزایش می‌یابد؛ بر ضرورت سازوکارهای کنترل ریسک تأکید شده است.

با وجود پژوهش‌های گسترده در حوزه بانکداری اسلامی و مدیریت ریسک نکول، در نظام بانکی ایران اجرای عملی عقود مشارکتی عمدتاً با نرخ سود از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد و بنابراین ریسک‌های ذاتی این عقود، مانند کژمنشی و کژگزینی، کمتر به صورت واقعی تجربه می‌شوند. این وضعیت نشان می‌دهد که فاصله‌ای میان ماهیت نظری عقود مشارکتی و شیوه عملیاتی بانک‌ها وجود دارد. (شعبانی، ۱۳۹۲)

جمع‌بندی پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ضعف در شفافیت اطلاعات و کارآمدی سازوکارهای نظارتی بانک‌ها، موجب گرایش مؤسسات مالی به استفاده از عقود کم‌ریسک‌تر شده

است. علاوه بر این، بیشتر مطالعات موجود عمدتاً رویکردی نظری یا توصیفی داشته و استفاده محدودی از داده‌های کیفی و تجربی واقعی برای تحلیل عملکرد بانک‌ها صورت گرفته است. بنابراین، هنوز خلأی مهم در زمینه پژوهش تطبیقی و عمیق میان عقود مبادله‌ای و مشارکتی وجود دارد که با بهره‌گیری از تحلیل مضمون مصاحبه‌های خبرگان، می‌توان نقاط قوت و ضعف مدیریت ریسک نکول را شناسایی و مقایسه کرد؛ موضوعی که پژوهش حاضر دقیقاً با هدف پر کردن آن طراحی شده است.

روش‌شناسی پژوهش

فلسفه و رویکرد پژوهش

پژوهش حاضر از دیدگاه پارادایمی تفسیرگرایانه (Interpretivism) و با جهان‌بینی تجربه‌محور طراحی شده است. بر اساس این فلسفه، واقعیت اجتماعی درک شده و تجربه شده توسط خبرگان بانک‌ها محوریت دارد. رویکرد پژوهش استقرایی (Inductive Approach) است و داده‌های میدانی از مصاحبه‌های کیفی استخراج می‌شوند تا مضامین و الگوهای پنهان در تجربه واقعی بانک‌ها شناسایی شود.

استراتژی و نوع تحقیق

این پژوهش یک تحقیق کیفی، اکتشافی و مبتنی بر داده‌های میدانی است که با بهره‌گیری از تحلیل مضمون (Thematic Analysis) انجام شده است. هدف آن شناسایی و تحلیل چالش‌های مدیریت ریسک نکول در بانک‌های ایرانی و مقایسه عملکرد بانک‌ها در عقود مبادله‌ای و مشارکتی بر اساس تجربیات خبرگان است.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش را خبرگان بانکی با تجربه حرفه‌ای در حوزه‌های مدیریت ریسک، اعتبارسنجی، اجرای عقود اسلامی و فناوری‌های مالی تشکیل می‌دهند. از روش نمونه‌گیری هدفمند (Purposive Sampling) استفاده شد. معیارهای انتخاب خبرگان عبارت بودند از:

≠ حداقل ۱۰ سال تجربه حرفه‌ای در حوزه‌های مرتبط

- ≠ تجربه مشارکت مستقیم در تصمیم‌گیری‌های اعتباری یا طراحی ابزارهای مدیریت ریسک
 - ≠ تنوع نهادی شامل بانک‌های دولتی، خصوصی، مشاوران مستقل و دانشگاهیان
تعداد مصاحبه‌ها: ۱۴ نفر، شامل:
 - ≠ ۳ مدیر ریسک در بانک‌های دولتی
 - ≠ ۲ مدیر ارشد اعتبارات در بانک‌های خصوصی
 - ≠ ۴ کارشناس ارشد اجرای عقود اسلامی
 - ≠ ۲ مشاور در حوزه فناوری‌های مالی و سامانه‌های نظارتی
 - ≠ ۳ استاد دانشگاه و مشاور کمیته‌های فقهی و اعتباری بانک‌ها
- تعداد ۱۴ مصاحبه بر اساس اصل اشباع نظری انتخاب شد؛ پس از دور دوازدهم، مضامین جدید ارزش افزوده معناداری نداشت و دو مصاحبه تکمیلی برای اطمینان انجام شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

- داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شد. راهنمای مصاحبه شامل ۸ سؤال کلیدی حول سه محور اصلی بود:
- ≠ شناسایی قوت‌ها و ضعف‌های مدیریت ریسک نکول در بانک‌ها
 - ≠ تحلیل مقایسه‌ای عملکرد بانک‌ها در عقود مبادله‌ای و مشارکتی
 - ≠ بررسی نقش فناوری‌های نوین در بهبود کارایی مدیریت ریسک
- مدت مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۵۵ دقیقه و به صورت حضوری یا برخط (Google Meet) و اسکای‌روم انجام شد. تمامی مصاحبه‌ها پس از اخذ رضایت آگاهانه ضبط، پیاده‌سازی و بازخوانی شدند.

روش تحلیل داده‌ها

- داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون براون و کلارک (2006) و با رویکرد استقرایی و برون‌زا (Data-Driven) تحلیل شدند. مراحل تحلیل به شرح زیر است:
- ≠ آشنایی با داده‌ها: خوانش مکرر و یادداشت‌برداری اولیه

- ≠ کدگذاری اولیه: استخراج مفاهیم کلیدی از متن
 - ≠ شناسایی مضامین اولیه: گروه‌بندی کدهای مشابه
 - ≠ بازبینی و پالایش مضامین: حذف یا ادغام موارد ناکارآمد
 - ≠ نام‌گذاری و تعریف مضامین نهایی
 - ≠ نگارش گزارش نهایی همراه با فکت‌های نماینده
- این فرآیند منجر به استخراج ۶ مضمون اصلی و ۱۸ زیرمضمون شد که در بخش یافته‌ها گزارش خواهد شد.

روایی و پایایی

- برای ارتقای اعتبار و پایایی یافته‌ها، اقدامات زیر انجام شد:
- ≠ بازبینی مشارکت‌کنندگان (Member Checking): ارائه یافته‌های میانی برای صحت‌سنجی
 - ≠ اشباع نظری: انجام ۱۴ مصاحبه برای رسیدن به سطح اشباع
 - ≠ مراقبت از سوگیری پژوهشگر: ثبت خودآگاهی‌ها و بررسی چندمرحله‌ای تحلیل‌ها توسط تیم پژوهش
 - ≠ مقایسه و تطبیق کدها: بررسی همگرایی تفسیری و انسجام مفهومی با تحلیلگر دوم

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش بر اساس تحلیل مضمون مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ نفر از خبرگان بانکی استخراج شده‌اند. در مجموع، ۶ مضمون اصلی و ۱۸ زیرمضمون به دست آمد که بازتاب‌دهنده چالش‌ها، قوت‌ها، و ظرفیت‌های موجود در مدیریت ریسک نکول در بانک‌های بدون ربا در ایران هستند. در ادامه، این مضامین به تفکیک و با ذکر نمونه‌هایی از فکت‌های برگرفته از مصاحبه‌ها ارائه می‌شود.

مضمون ۱: ساختار سنتی در اعتبارسنجی اولیه

زیرمضامین:

- ≠ تمرکز صرف بر وثایق فیزیکی و نادیده گرفتن شایستگی اعتباری مشتری

≠ نبود نظام اعتبارسنجی پویا مبتنی بر رفتار گذشته مشتری
≠ عدم تمایز رویکرد اعتبارسنجی بین عقود مبادله‌ای و مشارکتی
فکت نماینده:

«ما برای مشارکت هم مثل مرابحه فقط روی ضمانت و وثیقه تمرکز داریم. نه طرح رو بررسی می‌کنیم نه توان اجرایی شریک رو.» (کد مصاحبه ۴)
مضمون ۲: ضعف در نظارت پس از تخصیص
زیرمضامین:

≠ نبود ابزار و سازوکار مؤثر برای پایش مصرف تسهیلات
≠ بی‌توجهی به انحراف منابع در مرحله اجرا
≠ نبود سامانه گزارش‌دهی مالی منسجم برای عقود مشارکتی
فکت نماینده:

«بعد از پرداخت وام، عملاً هیچ نظارتی وجود نداره. اینه که مشتری راحت می‌تونه منابع رو جای دیگه خرج کنه یا اصلاً پروژه رو رها کنه.» (کد مصاحبه ۸)
مضمون ۳: ناکارآمدی در تفکیک نوع عقد و ابزار متناسب
زیرمضامین:

≠ عدم تناسب بین نوع عقد و ماهیت پروژه
≠ انتخاب صوری ابزارها صرفاً برای تسویه ظاهری قرارداد
≠ ضعف در انطباق نیاز متقاضی با ابزار مشارکتی یا مبادله‌ای
فکت نماینده:

«خیلی وقت‌ها برای پروژه‌های واقعی، از مرابحه استفاده می‌کنن فقط چون راحت‌تره؛ در حالی که پروژه به مشارکت نیاز داره.» (کد مصاحبه ۱)
مضمون ۴: نقاط قوت در رویه‌های اجرایی برخی بانک‌ها
زیرمضامین:

≠ تجربه موفق در برخی بانک‌های تخصصی در ارزیابی طرح‌ها
≠ استفاده از کمیته‌های فنی-اقتصادی برای اعتبارسنجی مشارکتی

≠ توان بالاتر در بانک‌هایی که از سامانه‌های اعتبارسنجی بین‌بانکی بهره می‌برند
فکت نماینده:

«در بانک ما، پروژه‌هایی که بالای ۵ میلیارد، حتماً توسط کمیته ارزیابی اقتصادی بررسی می‌شن؛ این خیلی از نکول‌ها رو کم کرده.» (کد مصاحبه ۶)
مضمون ۵: چالش‌های نهادی و ساختاری
زیرمضامین:

≠ نبود پایگاه داده مرکزی برای سوابق مشتریان حقیقی و حقوقی
≠ عدم اتصال نظام‌های فنی، اعتباری و اجرایی در بانک‌ها
≠ ضعف در یکپارچه‌سازی داده‌های میدانی و اعتباری
فکت نماینده:

«ما نمی‌دونیم مشتری در بانک کناری چه قدر بدهی داره یا قبلاً چه رفتاری داشته؛ یه تصمیم کور می‌گیریم.» (کد مصاحبه ۱۰)
مضمون ۶: ضرورت ورود فناوری‌های نوین
زیرمضامین:

≠ ظرفیت بالای فناوری‌هایی چون بلاک‌چین در ثبت شفاف سوابق
≠ امکان طراحی قراردادهای هوشمند برای کنترل مصرف منابع
≠ نقش وب ۳ در تقویت اعتماد، شفافیت و حذف واسطه‌های صوری
فکت نماینده:

«اگه بتونیم از قراردادهای هوشمند استفاده کنیم، مصرف منابع مرحله‌به‌مرحله آزاد می‌شه. این خودش یه سیستم نظارتی قدرتمنده.» (کد مصاحبه ۱۲)
مجموعه مضامین استخراج‌شده از مصاحبه‌ها بیانگر آن است که نظام مدیریت ریسک نکول در بانک‌های ایران با چالش‌های متعددی در مراحل پیش از تخصیص، حین تخصیص و پس از تخصیص منابع مواجه است.

تحلیل مقایسه‌ای شیوه‌های مدیریت ریسک نکول در عقود مبادله‌ای و مشارکتی

در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون مصاحبه‌ها و اسناد تحلیلی بانک‌ها، به منظور بررسی تطبیقی قوت‌ها و ضعف‌های شیوه‌های رایج مدیریت ریسک نکول در دو گروه اصلی عقود بانکداری اسلامی، یعنی عقود مبادله‌ای (مانند مرابحه، جعاله، فروش اقساطی و خرید دین) و عقود مشارکتی (مانند مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی)، تجزیه و تحلیل می‌شوند.

شیوه‌ها و اقدامات متداول مدیریت ریسک نکول در بانک‌های ایران

مدیریت ریسک نکول در بانک‌های ایرانی بر حسب نوع عقد، ساختار و ابزارهای متفاوتی را شامل می‌شود. در عقود مبادله‌ای، تأکید بر ضمانت محور بودن، بازپرداخت اقساط مشخص و انتقال تعهد مالی از همان ابتدا به مشتری است. در ادامه به صورت تفصیلی اقدامات مدیریت ریسک نکول در شش نوع عقد مبادله‌ای (مرابحه، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، خرید دین و استصناع) و ۴ نوع عقد مشارکتی (مضاربه، مشارکت مدنی، مزارعه و مساقات) براساس مصاحبه‌ها و اسناد بررسی می‌گردد.

الف) در عقود مبادله‌ای

جدول شماره ۲. اقدامات متداول مدیریت ریسک نکول در عقود مبادله‌ای

اقدامات مدیریت ریسک نکول	استصناع	خرید دین	جعاله	فروش اقساطی	اجاره به شرط تملیک	مرابحه	مرحله
اعتبارسنجی متقاضی، تحلیل قرارداد پایه، بررسی اسناد و مشخصات موضوع معامله	ارزیابی کارفرما و توان اجرایی پیمانکار	بررسی صحت اسناد دین و خریدار اولیه	بررسی خدمات مورد درخواست و پیمانکار	بررسی فروشنده و شرایط کالا	ارزیابی کالای مورد اجاره	بررسی فاکتور و قیمت کالا	بررسی اولیه
بررسی سوابق مالی،	اخذ ضمانت‌نامه	چک و سفته،	ضمانت‌نامه حسن	ضمانت‌نامه، چک، وثیقه	اخذ وثیقه	اخذ وثیقه یا	اعتبارسنجی و

جدول شماره ۲. اقدامات متداول مدیریت ریسک نکول در عقود مبادله‌ای

مرحله	مراجعه	اجاره به شرط تملیک	فروش اقساطی	جعاله	خرید دین	استصناع	اقدامات مدیریت ریسک نکول
تضامین	ضامن، چک و سفته	روی عین مستأجره	نقدی	انجام کار، سپرده نقدی	اعتبارسنجی گیرنده دین	بانکی یا چک پیش پرداخت	اخذ وثیقه یا ضمانت معتبر، استفاده از سامانه‌های رتبه‌بندی و سابقه پرداخت گیرنده نهایی
انعقاد قرارداد	تنظیم قرارداد رسمی با اقساط	شرط تملیک تا پایان اقساط	قیمت تمام‌شده + سود مشخص	تعیین مزد جعاله و مراحل اجرا	انتقال دین با نرخ تنزیل توافقی	تنظیم زمان‌بندی تولید و تحویل کالا	قید شروط الزام‌آور بازپرداخت، تحویل مرحله‌ای، شروط فسخ و جریمه تاخیر
مرحله اجرا	انتقال تدریجی مالکیت به مشتری	نظارت محدود بر اجاره	تحویل کالا و پرداخت اقساط	نظارت میدانی بر کیفیت خدمات	انتقال طلب و دریافت اقساط از بدهکار	نظارت بر مراحل ساخت/تولید، پیشرفت فیزیکی	نظارت موردی یا قراردادی بسته به ماهیت پروژه و زمان‌بندی اجرای فازهای اجرا
باز	جریمه	بازپس	اجرای	ضبط	مراجعه به	مراجعه به	پیگیری

جدول شماره ۲. اقدامات متداول مدیریت ریسک نکول در عقود مبادله‌ای

مرحله	مراجعه	اجاره به شرط تملیک	فروش اقساطی	جعاله	خرید دین	استصناع	اقدامات مدیریت ریسک نکول
پرداخت	تأخیر، اقدام قانونی	گیری عین مستأجره	وثایق	سپرده یا ضمانت‌نامه	بدهکار، اجرای تضامین	کارفرما یا اجرای قرارداد جایگزین	اقساط، اعمال جریمه تأخیر، یا ضبط وثایق در صورت عدم تحویل یا نکول

منبع: یافته‌های پژوهش

نکات

- ≠ در خرید دین (تنزیل مطالبات مدت‌دار)، ریسک نکول از جانب بدهکار اصلی (خریدار اولیه کالا یا خدمات) متوجه بانک است. صحت‌سنجی اسناد دین، اعتبارسنجی دقیق مشتری اصلی، و تنظیم شروط بازگشت وجوه در صورت نکول، مهم‌ترین ابزارهای کنترل ریسک در این عقد هستند. همچنین در صورت نکول، پیگیری حقوقی ممکن است پیچیده باشد زیرا ذی‌نفع اصلی و متقاضی تأمین مالی دو شخص متفاوت‌اند.
- ≠ در استصناع که نوعی عقد سفارش ساخت است، ریسک اجرا، تأخیر در تحویل، و عدم تطابق کالای ساخته‌شده با مشخصات مطرح است. از این‌رو، بانک‌ها معمولاً مراحل تولید را مرحله‌به‌مرحله نظارت کرده و پرداخت‌ها را مشروط به پیشرفت فنی می‌کنند. وجود ضمانت‌نامه حسن انجام کار یا تضمین‌های بانکی از جمله ابزارهای کاهش ریسک نکول در استصناع است.

≠ در تمام عقود مبادله‌ای، تمرکز اصلی بانک‌ها بر کاهش ریسک قبل از تخصیص اعتبار است. با این حال، نظارت پس از اجرا معمولاً ضعیف و غیرفعال است، به‌ویژه در عقودی مانند جعاله و خرید دین که راستی‌آزمایی نتیجه عملیاتی دشوارتر است.

(ب) عقود مشارکتی

جدول شماره ۳. اقدامات متداول مدیریت ریسک نکول در عقود مشارکتی

مرحله	مشارکت مدنی	مضاربه	مزارعه	مساقات	اقدامات مدیریت ریسک نکول
بررسی اولیه	بررسی طرح سرمایه‌گذاری و سهم طرفین	ارزیابی صلاحیت مضارب، بررسی بازار	بررسی نوع کشت، مکان اجرا	بررسی درختان و میزان بهره‌برداری	بررسی سوابق مالی و تجربیات قبلی مشتری، ارزیابی پروژه
اعتبارسنجی و تضامین	قرارداد مشارکت + وثیقه (در عمل)	تضمین‌های غیررسمی، چک، گاهی وثیقه	تضمین بازپرداخت بر اساس سهم محصول	تضمین در قالب تعهد تولید	برخلاف مبانی فقهی، در عمل چک و سفته هم گرفته می‌شود
انعقاد قرارداد	سهم سود و سرمایه مشخص می‌شود	سرمایه از بانک، سود توافقی	توافق بر نسبت برداشت	توافق بر محصول و شرایط نگهداری	قرارداد رسمی با جزئیات تقسیم سود و مدت اجرا
مرحله اجرا	گزارش‌گیری از حساب مشترک	حساب‌گردانی توسط مضارب	پایش سطحی فعالیت کشاورزی	نظارت محدود بر عملکرد باغدار	نظارت مالی ضعیف، فقدان ابزار راستی‌آزمایی
بازگشت سرمایه	گزارش نهایی سود - اغلب ساختگی	تسویه سود توسط مضارب - بدون نظارت	برداشت محصول - دشوار برای	برداشت ثمره و تسویه سود	بانک‌ها معمولاً سود علی‌الحساب

جدول شماره ۳. اقدامات متداول مدیریت ریسک نکول در عقود مشارکتی

مرحله	مشارکت مدنی	مضاربه	مزارعه	مساقات	اقدامات مدیریت ریسک نکول
			اندازه‌گیری واقعی		می‌گیرند، نه واقعی

منبع: یافته‌های پژوهش

نکات:

≠ در مشارکت مدنی و مضاربه ضعف شدید در راستی‌آزمایی عملکرد شریک و شفاف نبودن اطلاعات سود شایع است.

≠ در مزارعه و مساقات که ماهیت کشاورزی دارند، نظارت و کنترل اصولاً دشوار و بیشتر سستی است.

≠ پدیده کژمنشی در این دسته عقود شدیدتر است؛ چرا که بانک توان عملی در کنترل رفتار شریک ندارد.

اقدامات مدیریت ریسک در عقود مبادله‌ای عمدتاً حقوق‌محور و قبل از عقد هستند. (مثل وثیقه و ضمانت‌نامه) در عقود مشارکتی نیاز به اقدامات پویاتر، نظارتی و مبتنی بر اطلاعات لحظه‌ای است، ولی ابزار کافی وجود ندارد. در هر دو دسته، اقدامات اجرا شده غالباً فقدان شفافیت، ضعف در نظارت و اطلاعات ناقص را نشان می‌دهند که مستعد بروز کژگزینی و کژمنشی‌اند. این شکاف‌ها، زمینه‌ای روشن برای ورود راهکارهای فناورانه مانند وب ۳، قراردادهای هوشمند، بلاک‌چین و DID^۱ است تا فرآیند کنترل ریسک را شفاف، قابل‌رهگیری و خوداجرا کند.

تحلیل مقایسه‌ای مدیریت ریسک نکول عقود مبادله‌ای و مشارکتی

برای تحلیل مقایسه‌ای، از سه محور کلیدی در چرخه اعتبار استفاده شده است:

۱. هویت غیرمتمرکز (DID): به سامانه‌ای اطلاق می‌شود که در آن افراد یا نهادها می‌توانند بدون وابستگی به مرجع مرکزی، هویت دیجیتال خود را ایجاد، مدیریت و تأیید کنند. DID، مبتنی بر فناوری بلاک‌چین است و امکان احراز هویت امن، قابل‌اعتماد و قابل‌رهگیری را در تعاملات دیجیتال فراهم می‌سازد.

۱. مرحله پیش از تخصیص اعتبار (ارزیابی و اعتبارسنجی)
 ۲. مرحله تخصیص و تنظیم قرارداد (اجرای عقد و تنظیم تعهدات)
 ۳. مرحله پس از تخصیص اعتبار (نظارت، پایش و پیگیری نکول)
- در هر یک از مراحل فوق، اقدامات رایج، نقاط قوت و ضعف برای هر نوع عقد مشخص شده و با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

جدول شماره ۴. تحلیل بر اساس مرحله پیش از تخصیص اعتبار

نوع عقد	اقدامات رایج	نقاط قوت	نقاط ضعف
مبادله‌ای	ارزیابی ارزش وثیقه، بررسی فاکتور یا پیش فاکتور، سابقه مشتری نزد شعبه	سادگی و سرعت، تطابق با سیستم‌های مکانیزه	عدم تحلیل واقعی نیاز مالی، بی‌توجهی به سوابق اقتصادی مشتری
مشارکتی	بررسی کلی طرح، بررسی محدود توان فنی شریک، اخذ ضمانت‌نامه یا وثیقه صوری	توجه نسبی به ماهیت طرح و میزان بازده	ارزیابی سطحی و شکلی، نبود تحلیل تخصصی، فقدان ابزار اعتبارسنجی پروژه‌محور

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۵. تحلیل بر اساس مرحله تخصیص و تنظیم قرارداد

نوع عقد	اقدامات رایج	نقاط قوت	نقاط ضعف
مبادله‌ای	تنظیم قرارداد مباحه یا جعاله، دریافت وثیقه، ثبت قرارداد در سیستم بانک	ساده‌سازی عملیات بانکی، پوشش ریسک ظاهری با ضمانت‌ها	عدم انطباق قرارداد با مصرف واقعی، عدم اعمال کنترل حقوقی بر کاربرد وجوه
مشارکتی	تنظیم قرارداد مشارکت مدنی یا مضاربه، درج سهم سود مورد انتظار، اخذ تعهدات فنی از شریک	ایجاد زمینه شراکت واقعی در سود	پیچیدگی فرایند، نبود تضمین‌های اجرایی برای انطباق عمل با متن قرارداد

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۶: تحلیل بر اساس مرحله پس از تخصیص اعتبار

نوع عقد	اقدامات رایج	نقاط قوت	نقاط ضعف
مبادله‌ای	پیگیری بازپرداخت اقساط، ارسال پیامک یادآور، مراجعه حضوری در صورت نکول	سهولت در پیگیری اقساط، قابل اندازه‌گیری بودن نکول	فقدان نظارت بر مصرف واقعی کالا، امکان مصرف تسهیلات برای مقاصد غیر قراردادی
مشارکتی	اخذ گزارش‌های مالی پایان‌دوره، مراجعه به محل اجرای طرح (در موارد خاص)، تحلیل بازده ادعایی پروژه	امکان نظارت بر سود واقعی، شراکت در مدیریت	نبود سیستم حسابرسی مستمر، ارائه گزارش‌های ساختگی یا صوری از طرف شریک

منبع: یافته‌های پژوهش

در یک نگاه مقایسه‌ای، می‌توان گفت:

≠ عقود مبادله‌ای به دلیل سادگی، سرعت اجرا، و تطابق با فرایندهای استاندارد بانکی، از کارایی عملیاتی بیشتری برخوردارند، اما در کنترل ریسک نکول، به‌ویژه در مصرف منابع، ضعیف‌تر عمل می‌کنند.

≠ عقود مشارکتی با وجود پتانسیل مشارکت واقعی در سود و ارزیابی فنی پروژه، به دلیل نبود ابزارهای نظارتی قوی و فرایندهای پیچیده، در کنترل دقیق رفتار شریک و پایش مالی مستمر دچار چالش‌اند.

این یافته‌ها را می‌توان در چارچوب نظریه نمایندگی (Principal-Agent Theory) و نظریه اطلاعات نامتقارن تحلیل کرد. بر اساس نظریه نمایندگی، بانک به‌عنوان سرمایه‌گذار یا وکیل، در معرض تضاد منافع با مشتری (عامل) قرار دارد. در عقود مشارکتی این تضاد شدیدتر است زیرا مشتری انگیزه دارد اطلاعات واقعی سود یا زیان را پنهان کند (کژمنشی)، در حالی که بانک توانایی نظارت کامل ندارد. یافته‌های مصاحبه‌ها این موضوع را تأیید می‌کند، زیرا ضعف در گزارش‌دهی و پایش مالی عامل اصلی نکول معرفی شده است. از سوی دیگر، در عقود مبادله‌ای، مشکل اصلی به مرحله پیش از تخصیص اعتبار مربوط می‌شود و به انتخاب نادرست مشتری (کژگزینی) برمی‌گردد. تمرکز صرف بر وثایق بدون ارزیابی دقیق توان بازپرداخت، باعث می‌شود

متقاضیان پرریسک وارد قرارداد شوند. این امر با مبانی نظری اطلاعات نامتقارن (Stiglitz & Weiss, 1981) هم‌راستا است.

بنابراین، می‌توان گفت مضامین شناسایی شده از مصاحبه‌ها عملاً مصداق عینی همان چالش‌های نظری شناخته شده در ادبیات مالی هستند، با این تفاوت که در بستر بانکداری بدون ربا، خود را در قالب ضعف‌های نهادی، رفتاری و فناورانه نشان می‌دهند.

انواع ضعف‌های موجود در سیستم مدیریت ریسک

در این بخش، یافته‌های کیفی به دست آمده از تحلیل مضمون مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان بانکی، با هدف پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش، به صورت ترکیبی و تجمیعی بررسی می‌شوند. رویکرد اصلی این تحلیل، تمایز میان ضعف‌های ساختاری (نهادی و سیستمی) و ضعف‌های رفتاری (مربوط به کنش انسانی و سازمانی) در فرآیند مدیریت ریسک نکول در بانک‌های ایرانی است.

ضعف‌های ساختاری

ضعف‌های ساختاری ناظر بر اشکالات سیستمی، نهادی، فرآیندی و فناورانه‌اند که در لایه‌های بالادستی عملیات بانکی نهادینه شده‌اند و در اغلب بانک‌ها به صورت فراگیر دیده می‌شوند. مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از:

الف) نبود نظام اعتبارسنجی فراگیر و دقیق

اکثر بانک‌ها هنوز به الگوهای سنتی ارزیابی مشتری متکی‌اند. ابزارهای نوین اعتبارسنجی رفتاری، سیستم‌های امتیازدهی و مدل‌های پیش‌بینی نکول به صورت محدود یا غیرسیستمی استفاده می‌شوند. فقدان اتصال بین بانکی به پایگاه‌های داده اعتباری (مثل تجربه مشتری در سایر بانک‌ها یا سازمان‌ها) از عوامل عمده کاهش دقت ارزیابی اعتباری است.

ب) ضعف در پایش پس از تخصیص

پس از اعطای تسهیلات، نظارت ساختاریافته‌ای برای رصد مصرف منابع وجود ندارد. نبود زیرساخت‌های هوشمند برای ردیابی خرج کرد مرحله‌ای یا تحقق اهداف پروژه‌ها در عقود مشارکتی، ریسک نکول را بالا می‌برد.

ج) فقدان سامانه جامع گزارش دهی مالی و غیرمالی

در بسیاری از بانک‌ها، اطلاعات مربوط به اجرای پروژه‌ها، فروش محصولات یا میزان پیشرفت تعهدات مشتریان به صورت غیرساختاریافته، با تأخیر یا حتی دستی گزارش می‌شود. نبود پیوستگی داده‌ها بین سامانه‌های فنی، مالی و حقوقی بانک، مانعی جدی برای تحلیل بهنگام ریسک اعتباری است.

د) نبود دستورالعمل‌های تفکیکی و تخصصی برای انواع عقود

اکثر آیین‌نامه‌های داخلی بانک‌ها، فارغ از نوع عقد (مبادله‌ای یا مشارکتی)، بر مبنای رویه‌های یکسان نگاشته شده‌اند. این رویه‌ها معمولاً ماهیت خاص عقود اسلامی را در نظر نمی‌گیرند و سبب اعمال رویکردهای ناهماهنگ با اهداف فقهی و اقتصادی می‌شوند.

ضعف‌های رفتاری

ضعف‌های رفتاری، به کنش‌ها، تصمیمات یا فرهنگ سازمانی نیروهای انسانی در فرآیند تخصیص منابع مربوط می‌شود. هرچند این ضعف‌ها معمولاً در لایه اجرایی نمایان می‌شوند، اما ریشه‌ی آن‌ها می‌تواند در آموزش، سیاست‌گذاری، یا انگیزه‌های نهادی باشد. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف) نگاه شکلی به عقود اسلامی

بسیاری از کارکنان بانکی، تنها به رعایت ظاهری شرایط عقود اسلامی بسنده می‌کنند و هدف اقتصادی یا ساختار حقوقی آن را درک یا پیاده‌سازی نمی‌کنند. این امر به استفاده‌ی صوری از عقود و کاهش اثرگذاری آن‌ها در مدیریت ریسک منجر شده است.

ب) تساهل در نظارت عملیاتی

کارکنان اجرایی غالباً تمایلی به انجام نظارت دقیق، بازدید میدانی یا ارزیابی واقعی عملکرد پروژه ندارند. به‌جای اعمال کنترل مؤثر، رضایت به ارائه گزارش‌های شکلی یا مدارک صوری در دستور کار قرار می‌گیرد.

ج) رفتار کوتاه‌مدت‌نگر در ارزیابی مشتری

مدیران شعب برای تحقق اهداف ماهانه یا سه‌ماهه خود، گاه در پذیرش متقاضیان ریسک‌پذیر تساهل می‌کنند. این کوتاه‌نگری در تضاد با ماهیت بلندمدت فرآیند ارزیابی و بازپرداخت در عقود مشارکتی است.

د) مقاومت در برابر نوآوری فناورانه

برخی نیروهای بانکی با فناوری‌های جدید نظیر بلاک‌چین، قراردادهای هوشمند یا سامانه‌های تحلیل پیش‌بینی‌کننده، آشنایی کافی نداشته و از به‌کارگیری آن‌ها واهمه دارند. این مقاومت فرهنگی، یکی از موانع ناپیدای تحول در مدیریت ریسک نکول است.

تمایز کاربردی این ضعف‌ها

با توجه به موارد بیان شده می‌توان در یک نگاه ویژگی‌های دو نوع ضعف شناسایی شده را در جدول زیر دسته‌بندی نمود:

جدول شماره ۷. ویژگی‌های ضعف‌های ساختاری و رفتاری

نوع ضعف	ویژگی‌ها	تأثیر مستقیم بر	قابلیت اصلاح سریع	مثال بارز
ساختاری	سیستمی، فرآیندی، فناورانه	کل زنجیره اعتبار	کم (نیازمند اصلاح کلان)	نبود پایگاه اطلاعات یکپارچه
رفتاری	انسانی، فرهنگی، انگیزشی	اجرا و پیاده‌سازی	متوسط تا بالا	سهل‌انگاری در پایش مصرف منابع

منبع: یافته‌های پژوهش

نقاط قوت شناسایی شده

علی‌رغم چالش‌های یادشده، در مصاحبه‌ها نقاط قوت مهمی نیز گزارش شد که عبارت‌اند از:

- ≠ وجود برخی تجربیات موفق در بانک‌های تخصصی در اجرای دقیق عقود مشارکتی
- ≠ استفاده از کمیته‌های تخصصی در طرح‌های بزرگ برای ارزیابی فنی و اقتصادی
- ≠ بکارگیری تدریجی سامانه‌های اعتبارسنجی مبتنی بر داده‌های رفتاری (در چند بانک خصوصی پیشرو)

≠ توجه اخیر برخی بانک‌ها به ابزارهای نوین از جمله بلاک‌چین و سامانه‌های گزارش‌گیری هوشمند

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ضعف‌های موجود در شیوه‌های مدیریت ریسک نکول در بانک‌های ایرانی، هم منشأ ساختاری و سیستمی دارند و هم رفتاری و فرهنگی. ترکیب این دو دسته ضعف، باعث می‌شود که حتی ابزارهای فقهی طراحی شده نیز کارکرد مطلوبی نداشته باشند. شناسایی این دو سطح از ناکارآمدی، مبنای مناسبی برای طراحی راه‌حل‌های اصلاحی و نیز پیاده‌سازی فناوری‌هایی مانند وب ۳، قراردادهای هوشمند و سامانه‌های هوشمند ردیابی مالی خواهد بود.

تأثیر ضعف‌های ساختاری و رفتاری بر ریسک نکول در انواع عقود

در عقود مبادله‌ای، ضعف در ارزیابی اولیه مشتری و ناتوانی در کنترل نحوه مصرف منابع، منجر به تخصیص منابع به افراد یا پروژه‌هایی با نیت یا توانایی بازپرداخت پایین می‌شود (کژگزینی). همچنین، مصرف منابع در راستای اهداف غیرقراردادی یا عدم بازپرداخت تعهدات (کژمنشی) ناشی از نبود نظارت پس از عقد، بسیار شایع است.

در عقود مشارکتی، به دلیل پیچیدگی در ارزیابی فنی و اجرای پروژه، بیشتر شاهد شکل‌گیری کژمنشی هستیم. مشتری ممکن است با اهداف ظاهری وارد قرارداد شود اما پس از دریافت منابع، رفتارهایی خلاف تعهدات مالی، شراکتی یا گزارش‌دهی نشان دهد. این امر معمولاً به دلیل نبود مکانیزم شفاف پایش مالی و فنی است.

جدول شماره ۸، دسته‌بندی نقاط ضعف ساختاری و کلیدی در عقود مبادله‌ای و مشارکتی

نوع عقد	ریسک غالب	ضعف ساختاری کلیدی	ضعف رفتاری کلیدی
مبادله‌ای	کژگزینی و کژمنشی	نبود اعتبارسنجی دقیق؛ نبود ردیابی مصرف	عدم بررسی هدف واقعی تسهیلات؛ تساهل در پیگیری
مشارکتی	کژمنشی	نبود پایش عملکرد؛ گزارش‌دهی مالی غیرمستمر	عدم تحلیل سودآوری واقعی؛ کم‌توجهی به انحراف اجرا

منبع: یافته‌های پژوهش

چارچوب پیشنهادی برای اصلاح ضعف‌ها

تحلیل کیفی انجام شده نشان داد که ضعف‌های موجود در شیوه‌های مدیریت ریسک نکول، هم جنبه نهادی و زیرساختی دارند (مانند نبود سامانه پایش مالی یا نظام اعتبارسنجی رفتاری)، و هم از جهت عملکرد انسانی و سازمانی (مانند نگاه شکلی به عقود، تساهل در نظارت، یا عدم تعهد سازمانی). برای رفع ریسک نکول در نظام بانکداری بدون ربا، اصلاحات هم‌زمان در دو حوزه ضروری است:

- ≠ ساختارها و رویه‌ها باید به‌روزرسانی شده و مبتنی بر فناوری‌های نو طراحی شوند؛
- ≠ فرهنگ و رفتار سازمانی نیز باید از طریق آموزش، پایش و مشوق‌ها تغییر یابد.

جدول شماره ۹. مسیرهای اصلاحی پیشنهادی متناسب با نقاط ضعف

مسیرهای اصلاح پیشنهادی	دسته ضعف
توسعه سامانه‌های اعتبارسنجی رفتاری، پایگاه داده مشترک بانکی، بازمهندسی فرآیند ارزیابی و پایش عقود	ساختاری
آموزش هدفمند به کارکنان، طراحی مشوق‌های رفتاری اصلاحی، بازنگری در فرآیندهای ارزیابی عملکرد شعب و مدیران	رفتاری
به‌کارگیری فناوری‌های نو، قرارداد هوشمند و... برای ایجاد شفافیت، ردیابی دقیق مصرف منابع و گزارش‌گیری مالی دقیق	مشترک (ساختاری و رفتاری)

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این پژوهش با یافته‌های بین‌المللی هم‌راستا است (Khandelwal & Aljifri, 2021)؛ (Salman, 2023) و نشان می‌دهد بانک‌های اسلامی به دلیل ریسک بالای اطلاعات نامتقارن و دشواری نظارت، گرایش بیشتری به استفاده از عقود مبادله‌ای دارند. ارزش افزوده پژوهش حاضر آن است که با رویکرد کیفی و تحلیل مضمون داده‌های میدانی، نقاط قوت و ضعف مدیریت ریسک نکول را در بستر واقعی بانک‌های ایران شناسایی کرده و تمایز بین ضعف‌های ساختاری و رفتاری و تأثیر آن‌ها بر دو پدیده کژگزینی و کژمنشی را آشکار ساخته است.

تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ نفر از خبرگان بانکی نشان داد که نظام مدیریت ریسک نکول در بانکداری بدون ربا با مجموعه‌ای از چالش‌های نهادی، رفتاری و فناورانه مواجه است. این چالش‌ها در سه مرحله اصلی چرخه اعتبار قابل شناسایی‌اند:

پیش از تخصیص اعتبار: تمرکز بیش از حد بر وثایق فیزیکی، فقدان اعتبارسنجی رفتاری و ارزیابی سطحی طرح‌ها، به‌ویژه در عقود مشارکتی، زمینه‌ساز انتخاب مشتریان پرریسک و بروز کژگزینی است.

در حین تخصیص: صوری‌سازی قراردادها، عدم انطباق نوع عقد با ماهیت پروژه و نبود دستورالعمل‌های تخصصی تفکیکی، اثربخشی قراردادها در مدیریت ریسک را کاهش داده است. **پس از تخصیص:** ضعف در نظارت مستمر، فقدان سامانه‌های گزارش‌دهی مالی یکپارچه و دشواری در ردیابی مصرف منابع، به کژمنشی و افزایش ریسک نکول منجر می‌شود.

در کنار این ضعف‌ها، نقاط قوتی نیز مشاهده شد. برخی بانک‌های تخصصی تجربه موفق‌تری در اعتبارسنجی فنی طرح‌ها داشته‌اند؛ کمیته‌های ارزیابی اقتصادی در برخی موارد به بهبود تصمیم‌گیری کمک کرده‌اند و برخی بانک‌های خصوصی به تدریج از سامانه‌های اعتبارسنجی رفتاری بهره‌مندی می‌برند. همچنین، ظرفیت‌های بالقوه فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین، قراردادهای هوشمند و معماری وب ۳ می‌تواند در ارتقای شفافیت، کاهش تخلفات و اجرای خودکار تعهدات نقش آفرین باشد.

به‌طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که در عقود مبادله‌ای، گرچه بانک‌ها از سازوکارهای حقوقی و وثایق برای تسهیل وصول مطالبات بهره‌مندی می‌کنند، اما ضعف در کنترل مصرف منابع و نبود نظارت واقعی پس از تخصیص همچنان مشکل آفرین است. در عقود مشارکتی نیز، کژمنشی عامل، گزارش‌دهی صوری و نبود نظام نظارتی منسجم، تهدیدی جدی برای اصل سرمایه محسوب می‌شود. بنابراین، اصلاح هم‌زمان ساختارهای نهادی و سامانه‌های اطلاعاتی در کنار بهبود فرهنگ سازمانی، آموزش کارکنان و بازنگری نظام انگیزشی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای ارتقای سلامت مالی بانکداری بدون ربا در ایران است.

از منظر نظری، پژوهش حاضر با داده‌های میدانی نشان داد که ضعف‌های ساختاری (نهادی، سیستمی و فناورانه) بیشتر به بروز کژگزینی در عقود مبادله‌ای می‌انجامد، در حالی که ضعف‌های

رفتاری (انسانی، فرهنگی و انگیزشی) منشأ اصلی کژمنشی در عقود مشارکتی اند. این تمایز، همسو با مبانی نظری اطلاعات نامتقارن (Stiglitz & Weiss, 1981) و نظریه نمایندگی است، اما فراتر از مطالعات پیشین، چارچوبی منسجم برای تحلیل این چالش‌ها در بستر بانکداری اسلامی ایران فراهم کرده است.

از نظر راهبردی، نتایج این مطالعه می‌تواند مبنای تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاحی در سه سطح قرار گیرد:

راهبرد نهادی- قانونی: بازنگری در آیین‌نامه‌های عقود مشارکتی، طراحی دستورالعمل‌های تفکیکی برای هر عقد و الزام بانک‌ها به شفافیت اطلاعاتی.

راهبرد فناورانه: توسعه سامانه‌های اعتبارسنجی رفتاری، ایجاد پایگاه داده مشترک میان بانک‌ها تحت نظارت بانک مرکزی و اجرای آزمایشی قراردادهای هوشمند به‌ویژه در عقود مشارکتی مانند مضاربه.

راهبرد فرهنگی- سازمانی: آموزش کارکنان بانکی، بازطراحی نظام ارزیابی عملکرد مبتنی بر کیفیت اعتبارسنجی و نظارت، و ایجاد مشوق‌های رفتاری برای کاهش کژگزینی و کژمنشی.

پیشنهاد‌های فوق فراتر از توصیه‌های کلی بوده و می‌توانند به‌عنوان نقشه راهبردی برای بانک مرکزی و بانک‌های تجاری در جهت بهبود مدیریت ریسک نکول به کار گرفته شوند. با وجود این، پژوهش حاضر نیز با محدودیت‌هایی همراه است. نخست، داده‌ها صرفاً از طریق مصاحبه با ۱۴ خبره گردآوری شد و ممکن است دیدگاه سایر ذی‌نفعان مانند مشتریان یا نهادهای ناظر بازتاب نیافته باشد. دوم، ماهیت کیفی داده‌ها تعمیم نتایج به کل نظام بانکی را محدود می‌سازد. سوم، امکان‌سنجی اجرایی فناوری‌های نوین نظیر قراردادهای هوشمند و وب ۳ در سطح فنی و حقوقی خارج از دامنه این مطالعه بوده است. بر این اساس، مسیر آینده پژوهش‌ها می‌تواند در چند جهت گسترش یابد: نخست، استفاده از رویکرد ترکیبی (کیفی- کمی) و بهره‌گیری از داده‌های آماری بانک‌ها برای آزمون کمی اثرگذاری متغیرهایی چون اعتبارسنجی رفتاری، قراردادهای هوشمند و مشوق‌های نظارتی. دوم، انجام مطالعات تطبیقی در سایر کشورهای اسلامی برای ارزیابی قابلیت تعمیم راهبردهای پیشنهادی. سوم، بررسی فنی و حقوقی فناوری‌های نوین در قالب پروژه‌های

آزمایشی برای تعیین میزان کارایی آن‌ها در کاهش ریسک نکول. در نهایت، می‌توان گفت این پژوهش علاوه بر شناسایی چالش‌ها، مجموعه‌ای از راهبردهای اصلاحی را ارائه کرده است که می‌تواند به‌عنوان نقشه راه بانک مرکزی و بانک‌های تجاری در ارتقای مدیریت ریسک نکول و بهبود کارایی نظام بانکداری اسلامی ایران به کار گرفته شود.



فهرست منابع

- Abedifar, P., Molyneux, P., & Tarazi, A. (2013). Risk in Islamic banking. *Review of Finance*, 17(6), 2035–2096.
- Aggarwal, R. K., & Yousef, T. (2000). Islamic banks and investment financing. *Journal of Money, Credit and Banking*, 32(1), 93–120.
- Archer, S., & Karim, R. A. A. (2007). *Islamic finance: The regulatory challenge*. John Wiley & Sons.
- Azmat, S., Skully, M., & Brown, K. (2015). Can Islamic banking ever become Islamic? *Pacific-Basin Finance Journal*, 34, 253–272.
- Basel Committee on Banking Supervision. (2000). *Principles for the management of credit risk*. Bank for International Settlements.
- Beck, T., Demirgüç-Kunt, A., & Merrouche, O. (2013). Islamic vs. conventional banking: Business model, efficiency and stability. *Journal of Banking and Finance*, 37(2), 433–447.
- Beharvandi, Ahmad & Seyed Rouhollah Ahmadi Haji Abadi. (2012). Moral hazard and providing a practical model to reduce it in participatory contracts. *Proceedings of the 17th Islamic Banking Conference*, pp. 59–75. **(in Persian)**
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101.
- Chong, B. S., & Liu, M. H. (2009). Islamic banking: Interest-free or interest-based? *Pacific-Basin Finance Journal*, 17(1), 125–144.
- Dehghan-Monshadi, Mohammad. (2022). Challenges and obstacles in implementing participatory contracts in Iran's banking system and strategies for reform. *Scientific Quarterly of Islamic Economics and Banking*, 40 (Autumn 2022), pp. 7–42. **(in Persian)**
- Hajian, Somayeh; Nikraftar, Mohammad; Abbasi, Gholamreza. (2011). Investigating factors affecting the likelihood of loan default in Iran with emphasis on customers' credit ratings. *Quarterly Journal of Economic Research (Growth and Economic Development)*, 11(2), pp. 59–78. **(in Persian)**
- Holmström, B., & Tirole, J. (1997). Financial intermediation, loanable funds, and the real sector. *Quarterly Journal of Economics*, 112(3), 663–691.
- Khan, T., & Ahmed, H. (2001). *Risk management: An analysis of issues in Islamic financial industry*. Jeddah: Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.
- Khandelwal, S., & Aljifri, K. (2021). Risk sharing versus risk shifting: A comparative study of Islamic banks. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 12(8), 1105–1123.
- Lashkari, Alireza; Yaghoubi-Zadeh Majared, Abbas; Khalili, Mohammad. (2024). Managing moral hazard (moral hazard) in participatory contracts of the banking system based on Islamic teachings. *Quarterly Journal of Islamic Economics*. **(in Persian)**
- Mishkin, F. S. (2013). *The economics of money, banking and financial markets* (10th ed.). Pearson.
- Misman, N., & Bhatti, M. (2019). Risk analysis in Islamic banking: A novel approach. *Journal of Islamic Financial Studies*, 8(2), 123–145.
- Nasution, D. N., Bakar, N. B. A., & Omar, M. A. (2020). Risk management practices and risk-taking behavior: Evidence from Islamic banks in Indonesia. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 11(9), 2005–2027.
- Rezaei, Ali & Nazarpour, Mohammad Naghdi. (2013). Credit risk management in Islamic banking with an approach to examining contracts and loan payment models. *Quarterly Journal of Islamic Financial Research*, 2(4), pp. 123–156. **(in Persian)**

- Sabau, C. (2013). New challenges of risk management in banks in the globalization context. *Annals – Economy Series*, 3, 182–189.
- Safabakhsh, M., Ahmadi Sharif, M., Nematizadeh, S., & Keshtkar Haranaki, M. (2025). Design and validation of a credit risk management model with a strategic knowledge management approach in the Iranian banking industry. *Strategic Budget and Finance Research*, 6(2), 91-120. (in Persian)
- Salman, K. R. (2023). Exploring moral hazard and adverse selection in profit-sharing contracts. *International Journal of Professional Business Review*, 8(3), e0955.
- Sanmugam, B., & Zahari, Z. R. (2009). A primer on Islamic finance. Research Foundation of CFA Institute.
- Saunders, A., & Cornett, M. M. (2011). *Financial institutions management: A risk management approach* (7th ed.). McGraw-Hill/Irwin.
- Shabani, A. (2013). *Bankdari Islami: Ruykardi Eqtesadi va Feghi* [Islamic Banking: An Economic and Fiqh Approach] (In Persian). Tehran: Imam Sadiq University
- Stiglitz, J. E., & Weiss, A. (1981). Credit rationing in markets with imperfect information. *American Economic Review*, 71(3), 393–410.
- Talebi, Mohammad & Hassan Kiaei. (2012). Root causes of challenges in using participatory contracts in the banking system of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Islamic Financial Research*, 1(2), pp. 37–55. (in Persian)

